

بررسی معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران از منظر

تحلیل گفتمان

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

۱۹ (۱): ۷۸-۵۷

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

حمزه نوذری^۱

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

علیرضا کریمی

دانشجوی دکتری توسعه روستایی دانشگاه تهران

پذیرش: ۹۰/۶/۲۰

دریافت: ۱۹/۹/۲۹

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند سیر تحول در معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران را بررسی نماید. در این مقاله، از نظریه گفتمان لاکلا و موفه و از تحلیل گفتمان، به‌عنوان روش تحقیق، استفاده شد. این پژوهش جریان کشمکش بر سر تثبیت معنای توسعه را تحلیل نموده است. تحلیل گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب، نشان می‌دهد که هر گفتمان توسعه از مفصل‌بندی یکسری دال‌های شناور حول یک دال مرکزی تشکیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که نظام معنایی توسعه در گفتمان سازندگی براساس دال مرکزی رشد اقتصادی، در گفتمان اصلاحات بر محور آزادی و به‌همین ترتیب، در گفتمان عدالت، حول دال مرکزی عدالت شکل می‌گیرد. علاوه‌براین، هر گفتمان برای تثبیت معنای توسعه، از ابزارهایی همچون برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، منطق هم‌ارزی، و اساسی و... استفاده می‌کند. نتیجه اینکه، گفتمان‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی هر یک سعی کردند یک فضای متفاوت از وضعیت موجود و یک معنای متمایز از سایر معانی ترویج شده توسط سایر رقیبان شکل دهند؛ بنابراین معنا و مفهوم توسعه پس از انقلاب اسلامی هیچ‌گاه تثبیت نشد و این امر، راه را برای کشمکش‌های همیشگی بر سر معنا و مفهوم توسعه باز می‌گذارد.

واژگان کلیدی: توسعه، گفتمان، تحلیل گفتمانی، مفصل‌بندی، دال و مدلول

^۱. پست الکترونیکی نویسنده رابط: nozari56@yahoo.com

مقدمه

از منظر تحلیل گفتمان، دال توسعه در بستر گفتمان‌های مختلف مدلول‌های گوناگونی دارد. به عبارتی، هیچ رابطه‌ی ماهوی و ذاتی بین دال و مدلول توسعه وجود ندارد. هر گفتمان دارای هویت زبانی متمایز و غیر تثبیت‌شده‌ای است. «گفتمان مستمراً مشمول و موضوع عدم ثبات و ضرورت شکلی یا ماهوی است. کماکان متن توسعه نه یک فرامتن که یک میان‌متن است و کماکان آموزه‌های توسعه، ملفوف و پیچیده در ایدئولوژی کلام‌محور، حقیقت‌مدار، جهان‌شمول و تقلیل‌گرا هستند» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۵۲).

بر این اساس، به نظر می‌رسد فهم و تحلیل توسعه مستلزم تأمل در هویت‌های گفتمانی است. به بیانی دیگر، در باب تحول معنی و مفهوم توسعه، می‌باید هویت هر گفتمانی که داعیه توسعه دارد، مورد بررسی قرار گیرد تا مفصل‌بندی و دال مرکزی و دال‌های شناور هر گفتمان درباره توسعه و پیشرفت مشخص شود. تحلیل گفتمان نشان می‌دهد، در هر گفتمان، چه مفاهیمی از توسعه معتبر و جدی و چه مفاهیمی نامعتبر و غیرجدی قلمداد می‌شود. از منظر تحلیل گفتمان، همان‌گونه که زبان تنها و واحد وجود ندارد، توسعه تنها و واحد هم وجود ندارد. «همان‌طور که کلیت زبانی یا شمولیت زبانی نداریم، بلکه آنچه وجود دارد، عبارت است از تلاقی و تجمع لهجه‌ها، گویش‌ها، لهجه‌های عامیانه محلی، اصطلاحات و عبارات روزمره و کوچه‌بازاری و زبان‌های ویژه، همان‌گونه نیز یک متن توسعه نمی‌تواند به‌مثابه یک کلیت و تمامیت خود ایجادکننده و خودبسند وجود داشته باشد و به‌مثابه یک نظام بسته و سترون عمل کند. آنچه در یک متن توسعه وجود دارد، عبارت است از تلاقی و تجمع هویت‌ها و دقایق گوناگون سایر متون توسعه» (تاجیک، ۱۳۷۹: ۱۶۳).

در اواخر دهه ۶۰، با حضور هاشمی رفسنجانی در رأس دولت و آغاز طرح تعدیل اقتصادی، توسعه مترادف با رشد اقتصادی و تولید در نظر گرفته شد. از همین منظر، دولت فعالیت‌های زیادی در عرصه زیرساخت‌ها انجام داد و توسعه به‌عنوان فعالیتی کمی در نظر گرفته شد که با رشد اقتصادی محقق می‌شود. با حضور دولت خاتمی و شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلبی، معنا و مفهوم توسعه تغییر پیدا کرد و توسعه به‌معنای آزادی، جامعه مدنی، مشارکت مردم و... تعبیر شد. در این دوره، این‌گونه وانمود شد که تا آزادی سیاسی و آزادی بیان در جامعه رواج پیدا نکند، هیچ‌گونه توسعه اقتصادی محقق نخواهد شد؛ بنابراین آزادی هم هدف توسعه و هم ابزار

توسعه است. پس از این دوره و با حضور دولت احمدی‌نژاد، توسعه به نحوی متفاوت معنا شد. توسعه به معنای عدالت تعبیر شد و مشکل اصلی کشور در دورشدن از مردم و قربانی کردن عدالت معنا کرد. آنچه، در دوره سی ساله بعد از انقلاب اسلامی، درخصوص توسعه جلب توجه می‌کند، رقابت گفتمان‌های مختلف درون حاکمیت نظام جمهوری اسلامی درباب معنا و مفهوم توسعه است. گفتمان‌های فوق‌الذکر هرکدام در نزاع با دیگری سعی دارند توسعه و در نتیجه، واقعیت را به گونه‌ای دیگر تعریف کنند و خط‌مشی‌های متفاوتی برای عمل اجتماعی ارائه کنند. نحوه حضور و مواجهه گفتمان‌های فعال در عرصه توسعه، به جهت تأثیرات اجتماعی، پراهمیت و قابل بررسی است.

با چنین نگرشی، این مقاله، با استفاده از تئوری گفتمان لاکلا و موفه، سعی در واسازی گفتمان‌های توسعه پس از انقلاب اسلامی ایران و مشخصاً دهه ۷۰ و ۸۰ دارد. بر این مبنای، سؤالات این گونه مطرح می‌شوند که گفتمان‌های پس از انقلاب اسلامی ایران در پی چه فهمی از توسعه به مخاطب هستند؟ دال مرکزی و شناور توسعه‌ای هر گفتمان کدام‌اند؟ گفتمان‌ها چگونه در تلاش‌اند تا وجوهی از توسعه را به مثابه امور جدی و اموری را به مثابه امور حاشیه‌بازنمایی کنند.

تاکنون پژوهش‌های متعددی با استفاده از رویکرد تحلیل گفتمان نوشته شده است. به عنوان مثال، سلطانی (۱۳۸۶) با بهره‌گیری از گفتمان لاکلا و موفه، فیلم پارتی اثر سامان مقدم را تحلیل کرده است. همچنین می‌توان به مقاله تاجیک و روزخوش (۱۳۸۷) تحت عنوان «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان» اشاره کرد؛ اما تحقیقی درباب معنا و مفهوم توسعه از منظر تحلیل گفتمان تاکنون انجام نشده است. با این وصف، مقاله درصدد گشایش باب ورود به این زمینه است که می‌تواند حوزه پژوهشی جدیدی فراروی پژوهشگران تحلیل گفتمان قرار دهد.

چارچوب نظری

لاکلا و موفه نظریه گفتمان خود را در کتاب *هژمونی و استراتژی سوسیالیستی*: به سوی رادیکال‌دموکراسی مطرح کردند:

«در اینجا، ما هر عملی که به برقراری رابطه بین عناصر منجر شود، به گونه‌ای که هویت این عناصر در نتیجه این عمل تعدیل شود، مفصل‌بندی^۱ می‌نامیم. کلیت ساختاردهی شده که نتیجه مفصل‌بندی است، گفتمان نام دارد» (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵).

به‌واسطه درآمیختن نظریه‌های نشانه‌شناختی سوسور و دریدا با نظریه‌های سیاسی و اجتماعی گرامشی، آلتوسر و فوکو و نظریه روان‌شناختی لاکان پیرامون هویت فرد، لاکلا و موفه توانسته‌اند به نظریه‌ای دست یابند که دارای ابعاد گوناگون و قابلیت تبیینی فوق‌العاده‌ای است. به کمک این نظریه، تقریباً هر پدیده سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را می‌توان توصیف و تبیین نمود (سلطانی، ۱۳۸۶). از نظر لاکلا و موفه، تمامی پدیده‌های اجتماعی دارای خصلت گفتمانی هستند. گفتمان، از نظر لاکلا و موفه، نظام بزرگ‌تری است که بقیه نظام‌ها و پدیده‌های اجتماعی را شکل می‌دهد. بدین ترتیب «گفتمان‌های مختلف بر سر سازمان‌دهی جامعه، به شیوه خاص خود، با هم به رقابت و مبارزه برمی‌خیزند» (سلطانی، ۱۳۸۶:).

تشریح کامل مبانی و مفاهیم نظریه گفتمان لاکلا و موفه، در این مقاله، امکان‌پذیر نیست.^۲ در اینجا، تلاش شده است مفاهیم مهم این نظریه که ارتباط بیشتری با این مقاله دارد، به اختصار بیان گردد.

دال و مدلول

این دو مفهوم، در نظریه لاکلا و موفه، نقش کلیدی دارند. «دال‌ها، اشخاص و مفاهیم، عبارات و نمادهای انتزاعی یا حقیقی هستند که در چارچوب گفتمان‌های خاص، بر معنای خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود.

دال مرکزی: به شخص یا نماد یا مفهومی اطلاق می‌شود که سایر دال‌ها حول محور آن، جمع و مفصل‌بندی می‌شوند. دال مرکزی به‌مثابه عمود خیمه است که اگر برداشته شود، خیمه فرو می‌ریزد.

دال شناور: دالی است که مدلول آن شناور است. به‌عبارت‌دیگر، مدلول‌های متعددی دارد و گروه‌های سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر خود به آن، با هم رقابت می‌کنند. هر گفتمان

^۱. Articulation

^۲. برای آشنایی بیشتر با این نظریه، نک: سلطانی (۱۳۸۴)؛ بورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲)؛ تاجیک (۱۳۸۳) و کسرائی (۱۳۸۸).

برمبنای ساختار نظام معنایی خود، مدلول سازگار با این نظام معنایی را برجسته می‌سازد و مدلول‌های دیگر را به حاشیه می‌راند» (کسرای، ۱۳۸۸).

مفصل بندی

به معنای هر کنشی است که رابطه‌ای میان عناصر گوناگون ایجاد کند، به گونه‌ای که هویت آن‌ها در اثر این کنش تغییر کند (هوارث، ۱۳۷۹: ۱۴۰). بر مبنای و محور مفصل بندی است که گفتمان شکل می‌گیرد. در واقع، «گفتمان صورت بندی مجموعه‌ای از اشیا و افراد و... هستند که پیرامون یک نقطه کانونی، تثبیت شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری به دست می‌آورند» (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۶۱).

زنجیره هم‌ارزی و تفاوت^۱

در عمل مفصل بندی، دال‌های اصلی با یکدیگر از زنجیره هم‌ارزی ترکیب می‌شوند. این دال‌ها نشانه‌های بی‌محتوایند؛ یعنی به خودی خود بی‌معنایند، تا اینکه از طریق زنجیره هم‌ارزی با سایر نشانه‌هایی که آن‌ها از معنا پر می‌کنند، ترکیب می‌شوند و در مقابل هویت‌های منفی دیگری قرار می‌گیرند که به نظر می‌رسد تهدیدکننده آن‌ها باشند. گفتمان، از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌ها را می‌پوشاند و نظم و انسجام می‌بخشد. در هم‌ارزی، عناصر، خصلت‌های متفاوت و معنا‌های رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، فعال می‌شوند (حسینی زاده، ۱۳۸۳: ۱۹۲).

ضدیت (تنازع)^۲

از نظر لاکلا و موفه، هویت همواره گفتمانی و در نتیجه، تثبیت نشده است. ضدیت به هویت شکل می‌دهد. طبعاً هر هویت در واکنش و تقابل با دیگری شکل می‌گیرد. «گفتمان‌های مختلف برای سازمان‌دهی جامعه به شیوه خاص خودشان، با هم به کشمکش برمی‌خیزند. گفتمان‌ها وقتی عینیت یافته به نظر می‌رسند که امکان تصور جایگزین برای خود را غیرممکن جلوه می‌دهند و در نتیجه، فضای حاکم بر رفتار ما بسیار طبیعی به نظر می‌رسد» (تاجیک، ۱۳۸۷). از آنجایی که

^۱. Chain equirudence and difference

^۲. Antagonism

هویت‌یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان دیگر امکان‌پذیر است، فهم نظریه لاکلا و موفه بدون مفهوم ضدیت غیرممکن است.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

مفهوم غیریت با مفاهیم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی ارتباط تنگاتنگی دارد. «این دو مفهوم، به اشکال مختلف، در عرصه تنازعات گفتمانی ظاهر می‌شوند. برجسته‌سازی دال‌های مورد نظر خود و حاشیه‌رانی نظام معانی دال‌های گفتمان رقیب و برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف رقیب، از آن جمله است. در واقع، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت و تداوم هژمونی یک گفتمان است» (کسرای، ۱۳۸۸).

حوزه گفتمان‌گونی^۱

نزد لاکلا و موفه، هر نشانه یا دال یا عنصر ممکن است معانی یا مدلول‌های گوناگونی داشته باشد و هر گفتمان، یکی از معانی یا مدلول‌ها را برجسته و بقیه را به حاشیه می‌راند. «لاکلا و موفه معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند، حوزه گفتمان‌گونی می‌نامند» (کسرای، ۱۳۸۸).

از نظر لاکلا و موفه، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد. «اعمال و گفتار پدیده‌ها زمانی معنادار و قابل فهم می‌شوند که در چارچوب گفتمانی خاصی قرار گیرند. در این هنگام، از درون گفتمان‌های متفاوت، جهان هم متفاوت درک می‌شود» (کسرای، ۱۳۸۸). آنچه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه را از سایر نظریه‌های گفتمانی متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و فلسفه به جامعه و سیاست است (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۱۴). با استفاده از چارچوب نظریه لاکلا و موفه، گفتمان‌های توسعه‌به‌خوبی و‌اسازی می‌شوند.

قدرت

از نظر لاکلا و موفه، قدرت عبارت است از «قدرت تعریف‌کردن و تحمیل این تعریف» (نش، ۱۳۸۰: ۴۹). مفهوم قدرت، در نظریه لاکلا و موفه، بسیار شبیه مفهوم قدرت نزد فوکو

^۱. Field of discoursivity

است. «قدرت نزد فوکو شکلی از کنش یا رابطه بین مردم است که در هر کنش و واکنش، دست‌به‌دست می‌شود و هرگز تثبیت‌شده و ثابت نیست» (میلز، ۱۳۸۲: ۵۳). نورمن فرکلاف، از مفهوم قدرت پشت گفتمان، برای توضیح ابزارهای قدرت استفاده کرده است (فرکلاف، ۲۰۰۱: ۴۶). «قدرت پشت گفتمان به‌وسیلهٔ برجسته‌سازی، نشانه‌ها را به‌گونه‌ای خاص معنا می‌کند و با تولید اجماع، آن‌را در افکار عمومی هژمونیک می‌سازد» (کسرایبی، ۱۳۸۸).

روش‌شناسی

روش از نظریه جدا نیست و نظریهٔ لاکلا و موفه، خود، روش نیز می‌باشد. گفتمان لاکلا و موفه، هم در قامت یک روش و هم در قامت یک نظریه، راه را برای ورود تحلیلگران به ساحت پدیده‌های سیاسی‌اجتماعی با رویکردی توصیفی‌تحلیلی می‌گشاید. از طرفی، «تحلیل گفتمان می‌تواند تحلیل یک متن، یک عبارت یا یک سخنرانی یا تحلیل تطبیقی چند متن، سخنرانی، روزنامه‌ها، مجلات و... باشد» (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۵۹). بنابراین تحلیل گفتمان اصولاً به ناگفته‌های یک متن می‌پردازد. در تحلیل ناگفته‌ها «درواقع، آنچه شخص یا روزنامه نمی‌توانست یا نمی‌خواست مستقیم بگوید، ما از طریق دلالت‌های ضمنی یعنی التزامها، پیش‌فرض‌ها، تلقی‌ها و تداعی مسائل، مطالب را استنباط می‌کنیم» (بهرامپور، ۱۳۷۹: ۵۸). فوکو معتقد است که «معانی گفتمان باید در درون هر گفتمان و متناسب با دورهٔ خود آن، مورد بررسی قرار گیرد. زیرا نظام نشانه‌شناسی و دلالت‌های حاکم بر هر دوره با دوره‌های دیگر تفاوت اساسی دارد» (ضمیران، ۱۳۸۷: ۲۰). بر این اساس، محقق باید متن‌هایی را گردآوری کند تا بتواند مسئلهٔ مورد بررسی را به‌نحو قابل‌تعمیم، تحلیل کند. از آنجایی که موضوع تحلیل، توسعه است، نیازمند متون خاصی هستیم. در انتخاب متون، دو شاخص لحاظ شد: ۱. نظام معنایی هر گفتمان، در متن سخنرانی رئیس‌ان جمهوری در دوران پس از انقلاب اسلامی ایران، انتخاب شد؛ ۲. متونی انتخاب شد که دارای شرایط زیر بود:

- توسعه‌ای بودن مضامین و محورهای آن؛
- میزان تکرار موضوعات توسعه؛
- تأکید صریح بر مضمون توسعه.

چگونگی تحلیل متون

برای تحلیل متون، با در نظر گرفتن پژوهش‌ها و تحقیقات مشابه، بررسی محتوایی و مضمونی را در اولویت قرار دادیم؛ زیرا این متون، به لحاظ معانی و مضامین به کار رفته در آنها، واجد اهمیت هستند. در بررسی متون، از روش مقایسه بین متون نیز استفاده شد؛ چراکه در تحلیل گفتمان، هر متن در ضدیت با متن دیگر و در مقایسه با آن شکل می‌گیرد. به خصوص در متون توسعه‌ای «یک گفته یا نوشته معنایش را از طریق به حاشیه راندن معنای گفته یا نوشته دیگر کسب می‌کند» (یورگنسن و فیلیپس، ۲۰۰۲: ۱۴۹). در انتخاب دال مرکزی، معیار گفتمانی بوده است. به این معنی که نخست، دال یا نشانه‌ای که در متن، بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است، دال مرکزی در نظر گرفته شده است. دوم، میان دال مرکزی و سایر عناصر و دال‌ها انسجام و هماهنگی وجود داشته باشد و دال‌های دیگر براساس آن تعریف شده باشند و میان آنها مفصل‌بندی شده باشد. براساس آنچه بیان شد، متون انتخاب‌شده هر گفتمان به شرح زیر است.

گفتمان عدالت

متن شماره (۱)

«ما دنبال توسعه نیستیم، بلکه دنبال تعالی هستیم. امروز باید ایران را با سرعت بسازیم، آن‌هم برپایه ارزش‌های انسانی. اقتصاد ما باید اقتصادی پاک و دلسوز باشد و اگر غیر از آن باشد، اقتصاد ما نیز همچون دیگر کشورها خواهد بود» (سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۲۰/۲/۱۳۸۸).

متن شماره (۲)

«به ملت ایران توهین نکنید. اگر این یارانه‌ها را امثال شما که جیب‌ها و شکم‌هایتان پر است، تخصیص یابد، خوب است؟ شما از ملت فاصله گرفته‌اید، شما ملت را خانواده و اطرافیان و هم‌حزبی‌هایتان می‌دانید، ولی این‌گونه نیست. دولت مصمم است که ریشه‌های اصلی مشکلات اقتصادی کشور را به مردم معرفی و علاج کند و علی‌رغم بداندیشی برخی افراد، اقتصاد را معالجه کند. برخی با مسئله هدفمندکردن یارانه‌ها مخالف هستند و می‌گویند که اگر یارانه‌ها را هدفمند کنیم، این گداپروری است؛ ولی من خطاب به آن‌ها می‌گویم که هدفمندکردن یارانه‌ها عین عدالت است. به ملت ایران توهین نکنید، اگر این یارانه‌ها را امثال شما که جیب‌ها و

شکم‌هایتان پر است، تخصیص یابد، خوب است؟ شما از ملت فاصله گرفته‌اید، شما ملت را خانواده و اطرافیان و هم‌حزبی‌هایتان می‌دانید، ولی این‌گونه نیست. دولت مصمم است که ریشه‌های اصلی مشکلات اقتصادی کشور را به مردم معرفی و علاج کند و علی‌رغم بداندیشی برخی افراد اقتصاد را معالجه کند» (سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۲۸/۸/۱۳۸۷).

متن شماره (۳)

«من یادم هست. هر موقع که می‌گفتیم عدالت، عده‌ای که یکسری تئوری‌های وارداتی را به زور تحمیل می‌کردند، می‌گفتند آقا این‌ها می‌خواهند فقر را توزیع بکنند. چه کسی گفته که اجرای عدالت، با فقر و توزیع فقر مساوی است؟ چرا به خدا دروغ می‌بندید؟ اجرای عدالت دستور خداست. یعنی خدا فقر را می‌خواهد؟ به چه استدلالی؟ چرا به پیامبران دروغ می‌بندید؟ شما چه کسی هستید که فکر می‌کنید خیلی می‌فهمید؟ چرا تئوری‌های شما به پیشرفت بنیادین کشور منجر نشد؟ البته سرمایه‌گذاری‌های دولت سر جایش هست. دولت زیرساخت‌ها را درست می‌کند، اما اسم این پیشرفت نیست. پیشرفت کشور زمانی است که همه استعداد‌های انسانی این کشور فضا برای رشد پیدا بکند، نه اینکه فکر بکنیم که آن‌قدر جاده و پل و فرودگاه با پول بیت‌المال زده‌ایم. اجرای عدالت یعنی دادن فرصت کافی و یکسان به همه استعدادها، نه فقط به قشر و طبقه‌ای خاص» (سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۳۰/۷/۱۳۸۴).

متن شماره (۴)

«چطور شما می‌گویید عدالت موجب عقب‌افتادگی است؟ ما می‌گوییم برعکس آن است. اگر شما بدون عدالت جلو بروید، امکان شکوفایی استعدادها وجود ندارد. امکان ندارد که بدون عدالت به قله برسید. در دنیا می‌بینیم بدون عدالت به کجا رسیده‌اند. در همین کشور خودمان، پانزده شانزده سال عده‌ای فریاد می‌زدند که بابا عدالت را باید وسط کار بیاورید. می‌گفتند شما می‌خواهید فقر را توزیع کنید. نه بابا ما می‌خواهیم هم ثروت تولید کنیم و هم درست توزیع کنیم. ما می‌گوییم پیشرفت کشور همراه با عدالت امکان‌پذیر است. ما عدالت را با پیشرفت و پیشرفت را با عدالت می‌خواهیم. هر دو این‌ها را می‌خواهیم و هر دو هم شدنی است. هر دو با هم هستند. کسانی که آن حرف‌ها را می‌زنند، بروند حاصل کار خودشان را ببینند. بلوکه کردن ثروت‌ها و توانمندی‌های کشور فقط با عدالت باز می‌شود. سیاست‌هایی که در آن عدالت نباشد، فقط تمرکز ثروت در جیب یک عده خاص است. ثروت‌های جامعه در مسیر انحرافی به‌کار

گرفته می‌شود. در همین چند ماهه که بحث عدالت مطرح شد، گفتند این‌ها می‌خواهند فقر را توزیع کنند. ما می‌گوییم اتفاقاً عدالت یعنی توزیع ثروت. یا این‌هایی که می‌گویند با عدالت می‌خواهند رشد اقتصادی را کُند کنند. ما می‌گوییم اتفاقاً عدالت باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود؛ چون همه استعدادهای شکوفا می‌شود و همه فرصت تحرک پیدا می‌کنند. ما می‌گوییم تعالی جامعه. تعالی جامعه، هم پیشرفت مادی و هم پیشرفت معنوی در آن هست. هر دو آن‌ها با هم است. باید رشد کند و این الگو را باید طراحی کنیم. می‌گویند سخت است. بله سخت است. می‌گویند نمی‌شود؟ می‌گوییم نه خیر می‌شود. چرا می‌گویید نمی‌شود؟ چرا خودتان را راحت می‌کنید؟ الگوهایی را برداشته‌اند که هرکس خلاف آن الگوها یا متفاوت با آن الگوها حرف زد، بلافاصله می‌گویند غیرعلمی است. زود یک مارک می‌چسبانند و خیال خودشان را راحت می‌کنند. اتفاقاً عالمانه‌ترین احکام زندگی احکام اسلام است، چون خدای متعال فرستاده است» (سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۱۳/۹/۱۳۸۴).

متن شماره (۵)

«گروه‌ها و دسته‌ها و مجموعه‌هایی هستند که باور کرده‌اند باید حق بیشتری بگیرند. این‌ها در مبارزه با دشمن بیرونی همراه هستند. در دفاع از استقلال کشور همراه هستند. چه بسا در دفاع از آزادی هم همراه باشند؛ اما در اجرای عدالت، صف‌ها جدا می‌شود. خیلی وقت‌ها آدم ممکن است مجبور باشد با برادر و یار بیست‌ساله و بیست‌وپنج‌ساله خودش هم به‌خاطر اهمیت‌ندادن و رد کردن توقعات بیجا و تقاضاهای غیرقانونی برخورد بکند. مطمئن باشید کسانی که عادت کرده‌اند طی پانزده بیست سال با یک تلفن، با یک ارتباط و با یک تقاضای معمولی، همه نیازهای خود و دوستانشان را برطرف کنند، وقتی مشاهده می‌کنند که این راه به لطف الهی و به دست قدرتمند ملت ایران بسته شده است، حتماً ناراحت و نگران می‌شوند» (سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۱۹/۸/۱۳۸۴).

گفتمان اصلاحات

متن شماره (۱)

«یکی از مهم‌ترین محورهایی که بنده بر آن تأکید کردم، قانونمندشدن جامعه بود. قانونمندکردن جامعه کار بسیار دشواری است و واقعاً نیازمند حمایت مردم است. من فکر

می‌کنم که اگر ما بتوانیم جامعه را قانونمند کنیم، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجود قابل حل خواهد شد؛ اما اگر جامعه قانونمند نشود، ولو اینکه برنامه‌های خوبی هم وجود داشته باشد، اصلاً معلوم نیست که آن برنامه‌ها، در میان راه، دچار چه سرنوشتی بشود» (سخنرانی سیدمحمد خاتمی در یزد، ۸/۸/۱۳۷۶).

متن شماره (۲)

«بنده وقتی به عرصه انتخابات وارد شدم، توسعه سیاسی را به‌عنوان محوری‌ترین برنامه خود مطرح کردم. اکنون هم معتقدم که توسعه در اقتصاد خلاصه نمی‌شود... من اعتقاد بر این است که توسعه بدون توسعه سیاسی، اولاً ابتر و ثانیاً ناموفق است؛ یعنی بدون توسعه سیاسی، حتی در زمینه اقتصاد هم نمی‌توانیم پیشرفت کنیم. از همین رو، یکی از محوری‌ترین شعارهای ما توسعه سیاسی بود. در توسعه سیاسی، آنچه مهم است، به رسمیت شناختن حق آزادی شهروندان است» (سخنرانی سیدمحمد خاتمی در دیدار با معاونین وزارت کشور، ۹/۳/۱۳۷۷).

متن شماره (۳)

«در یک جامعه مسئولیت‌پذیر توسعه‌یافته از نظر سیاسی، رشد اقتصادی هم بهتر خواهد بود و اگر محور انسان باشد که البته هست، حتی رشد اقتصادی باید در خدمت توسعه سیاسی و فرهنگی جامعه قرار بگیرد» (سخنرانی سیدمحمد خاتمی در شورای اداری استان یزد، ۸/۸/۱۳۷۶).

متن شماره (۴)

«در توسعه سیاسی، آنچه مهم است، به رسمیت شناختن حق آزادی شهروندان است. این انسان صاحب حق کرامت، حق حاکمیت بر سرنوشت، آزادی فکرکردن و آزادی بیان و اندیشه است... همه این‌ها در چارچوب قانونی است که باز این قانون هم مورد اقبال و قبول این مردم است؛ یعنی شناختن حقوق و آزادی‌های مردم در چارچوب قانون» (سخنرانی سیدمحمد خاتمی، ۱۳/۱/۱۳۷۷).

متن شماره (۵)

«در جامعه مدنی، سازوکار گردش جامعه در اثر مشارکت، همکاری، همدلی و انتخاب مردم خواهد بود... افراد با گرایش‌ها و سلیق و منافع مختلف می‌توانند دور همدیگر جمع شوند و

خواسته‌های خودشان را تعریف کنند» (سخنرانی سیدمحمد خاتمی در مراسم روز کارگر، ۹/۲/۱۳۷۷).

گفتمان سازندگی

متن شماره (۱)

«اینکه بگوییم تأمین اجتماعی، با دادن چند سهم به مردم، عدالت را اجرا می‌کند، کار درستی نیست. نباید فرهنگ صدقه‌خور و گداپرووری را بر مردم خود تحمیل کنیم» (سخنرانی هاشمی رفسنجانی، ۲۶/۸/۱۳۸۷).

متن شماره (۲)

«عدالت توسعه فقر نیست. عدالت توسعه غناست که آن هم بدون توسعه امکان‌پذیر نیست. این هدف مسیرهای علمی و روشن دارد و با شعارهای پُرزرق‌وَبِرق امکان‌پذیر نیست» (سخنرانی هاشمی رفسنجانی، ۲۶/۸/۱۳۸۷).

متن شماره (۳)

«ساختن اقتصاد کشور با شیوه گداپرووری جواب نمی‌دهد و لذا باید، در عرصه تولید، قدم‌های مهم و اساسی برداریم... تاکنون دولت در این زمینه [خصوصی‌سازی] موفق نبوده است و نتوانسته به تعهدات خود در این زمینه عمل کند. علناً بخش خصوصی هم وارد عرصه نشده، درج‌ازدن و شعاردادن آینده را تأمین نمی‌کند. باید با کار کارشناسی و استفاده بهینه از منابع و نیروهای انسانی، به فکر پیشرفت و توسعه کشور بود» (سخنرانی هاشمی رفسنجانی، ۲۶/۸/۱۳۸۷).

تحلیل داده‌ها: دال مرکزی؛ دال شناور؛ دال خالی

دال مرکزی: دال مرکزی گفتمان اصلاحات، آزادی و توسعه سیاسی است و دال‌های شناور آن که این گفتمان آن‌ها را مفصل‌بندی کرده و یک نظام معنایی درباب توسعه تشکیل داده است، عبارت‌اند از: قانونمندی، شهروندان، مشارکت، جامعه مدنی و تنوع اندیشه. آزادی یکی از دال‌های اساسی در گفتمان انقلاب اسلامی ایران بود که توسط گفتمان اصلاحات، به‌عنوان دال مرکزی انتخاب شد. سلطانی در همین زمینه می‌نویسد: «آزادی دالی است که در ابتدای انقلاب اسلامی ایران در شکل‌دهی به گفتمان انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته است؛ ولی بعد از آن،

تا اوایل دهه ۷۰، شدیداً به حاشیه رانده شد. هم‌زمان با شکل‌گیری گفتمان اصلاح‌طلب مفصل‌بندی شد و باعث تحولی عمیق در افکار عمومی و گرایش مردم به این گفتمان شد» (سلطانی، ۱۳۸۶). مدلول این آزادی و آزادی بیان، در عرصه مطبوعات، متجلی شد. افزایش چشمگیر مطبوعات و نشریات، از جمله دستاوردهای این نظام معنایی بود. بنابراین توسعه به‌معنای آزادی و در بُعد سیاسی، دستاوردهای عینی برای جامعه به بار آورد که در عرصه مطبوعات وضوح کاملی یافت. حضور دال مرکزی آزادی در گفتمان اصلاحات و سخنرانی خاتمی همیشه وجود داشت. حضور همین دال است که توسعه را در این گفتمان معنا می‌بخشد. جمله زیر حاکی از همین موضوع است: «در توسعه سیاسی، آنچه مهم است، به رسمیت شناختن حق آزادی شهروندان است» (متن شماره ۲ گفتمان اصلاحات).

همان‌گونه که بیان شد، لاکلا و موفه، از انعطاف‌پذیری رابطه دال و مدلول، مفهوم هژمونی را بیرون می‌کشند. در گفتمان اصلاحات، چنین وانمود شد که افکار عمومی بر سر معنای دال آزادی اجماع دارند و معنای مشخصی را پذیرفته‌اند که همان آزادی اندیشه و بیان است. بدین ترتیب دال آزادی، در گفتمان اصلاحات، هژمونیک و در نتیجه، کل گفتمان اصلاحات، بر محور این دال مرکزی هژمونیک شد؛ بنابراین دال آزادی و دال‌هایی مانند قانون، هم ابزار و وسیله و هم هدف و نتیجه توسعه کشور معرفی شد.

دال خالی: دال خالی، در نظریه لاکلا و موفه، بیانگر یک خلأ در فضای اجتماعی است. «دال‌های خالی، بن‌مایه خلق اسطوره‌های جدیدند. مفصل‌بندی گفتمان‌های سیاسی جدید، حول دال خالی موجود در گفتمان بی‌قرار شده شکل می‌گیرد؛ بنابراین دال خالی در جایگاه دال مرکزی می‌نشیند» (لاکلا، ۱۹۹۴: ۴۹). اگر گفتمان‌های مسلط در هر دوره بتواند این دال‌های خالی را تحت پوشش قرار دهد، ادامه حیات می‌دهد. توسعه سیاسی و آزادی، دال خالی گفتمان سازندگی بود که در گفتمان اصلاح‌طلبی، در میان مردم، گسترش یافت. بالطبع، در گفتمان اصلاحات، ارزش‌ها و عدالت و اقشار ضعیف جامعه دال‌های خالی بودند که چون در این گفتمان، خلأ فوق پر نشد، گفتمان عدالت با مفصل‌بندی این دال‌های خالی، نظام معنایی جدیدی از توسعه ارائه نمود که در حال حاضر تثبیت شده است.

فوکو معتقد است دگرگونی در نظم گفتمان و شکل‌گیری گفتمان دیگر مستلزم ایده‌های جدید نیست، بلکه ناشی از ابتکار جزئی است:

«یک دگرگونی در نظم گفتمان، مستلزم ایده‌های جدیدی نیست، بلکه ناشی از خلاقیت و ابتکار جزئی یک طرز تفکر متفاوت و تغییرات در کاربست و شاید همچنین در کاربست‌های مجاور و فصل‌بندی مشترکشان است» (فوکو، ۱۹۷۲: ۲۰۹).

همان‌گونه که بیان شد، گفتمان عدالت، با استفاده از دال‌های خالی دو گفتمان دیگر، نظام معنایی جدیدی شکل داد که نه ناشی از خلاقیت این گفتمان، بلکه ناشی از خلأهایی است که در گفتمان‌های دیگر پر نشد. مردم و ملت، به‌عنوان یک دال اصلی، در گفتمان عدالت به‌گونه‌ای خاص معنا شد. «مفهوم مردم طنینی مشابه گفتمان سنت‌گرایی دهه ۶۰ دارد. احمدی‌نژاد بارها بر متن مردم تأکید می‌کند که بیشتر یادآور بسیج توده‌ای دهه ۶۰ است» (تاجیک، ۱۳۸۷). عدالت، دال مرکزی این گفتمان است که دال‌های شناوری مانند خدمت به مردم، مهرورزی، ارزش‌های اسلامی، اقتصاد اسلامی و بومی‌گرایی حول آن مفصل‌بندی می‌شود. «بدین ترتیب، گفتمان دولت نهم، با دغدغه‌های فرهنگی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی، کار خود را آغاز کرد. در این میان، عدالت‌گستری محوری‌ترین اصل این دولت تعریف شد» (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶). از دال مرکزی عدالت، به معنا و مفهوم توسعه در این گفتمان دست می‌یابیم. در این گفتمان، عدالت هم باعث توسعه می‌شود و هم هر توسعه‌ای نتیجتاً باید به عدالت برسد؛ البته با معنا و مفهومی که عدالت در این گفتمان پیدا می‌کند. «اجرای عدالت یعنی دادن فرصت کافی و یکسان به همه استعدادها، نه فقط به قشر و طبقه‌ای خاص» (متن شماره ۴ گفتمان عدالت). این معنای عدالت سعی در حاشیه‌رانی و طرد دال عدالت در گفتمان‌های غیر دارد. معنای عدالت، در دو گفتمان دیگر، رسیدگی به قشر و طبقه خاص بوده است و گفتمان عدالت مدعی است که عدالت مدنظر او فراگیر و گسترده است. بنابراین برای فهم معنا و مفهوم توسعه در گفتمان عدالت، دال مرکزی عدالت راهگشاست. «ما می‌گوییم عدالت باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود؛ چون همه استعدادها شکوفا می‌شود و همه فرصت‌ها تحرک پیدا می‌کند» (متن شماره ۴ گفتمان عدالت). «عدالت هم موجب شکوفایی استعدادها و هم موجب تحرک اقتصادی می‌شود و هم خدا به آن دستور داده است» (متن شماره ۳ گفتمان عدالت).

رشد اقتصادی، مسیر علمی توسعه، خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری، دال‌های خالی بودند که با مفصل‌بندی حول دال مرکزی سازندگی، نظام معنایی از توسعه شکل گرفت که در اوایل دهه ۷۰، در ایران مسلط بود. ازغندی (۱۳۸۱) در همین زمینه می‌نویسد: «هدف اصلی این دولت

رشد اقتصادی و سازندگی بود که برای تأمین این مهم، هاشمی رفسنجانی کابینه سازندگی را تشکیل داد. اعضای این کابینه را تکنوکرات‌هایی تشکیل می‌دادند که با رویکردی کمتر ایدئولوژیک سعی می‌کردند، به شکل واقع‌گرایانه، سیاست و اقتصاد را تعریف کنند. از این رو، پیگیری رشد اقتصادی، در حوزه داخلی، سرلوحه برنامه‌های دولت جدید قرار گرفت» (ازغندی، ۱۳۸۱: ۱۶ تا ۱۷). دال‌های خالی این گفتمان، آزادی، توسعه سیاسی، قانون و عدالت بود که گفتمان‌های بعد از آن، از این خلأ استفاده کردند و گفتمان سازندگی را به زیر کشیدند. در این گفتمان، معنا و مفهوم توسعه، برحسب دال‌های آن، حول رشد اقتصادی و تولید ثروت می‌چرخد. «باید، در عرصه تولید، قدم‌های مهم و اساسی برداریم» (متن شماره ۳ گفتمان سازندگی).

ضدیت و غیریت (برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی)

همان‌گونه که در بخش‌های قبلی اشاره شد، در برابر یک گفتمان، دیگرانی وجود دارند که هر گفتمان برای کسب هویت و شکل‌دادن نظام معنایی خود از آن استفاده می‌کند. مفهوم غیریت با مفاهیم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی همراه است. هر گفتمان برای برجسته‌سازی نقاط قوت خود و نقاط ضعف حریف و در نتیجه، شکل‌دادن به یک معنا از این مفاهیم استفاده می‌کند. از آنجایی که موضوع این تحقیق معنا و مفهوم توسعه است، در ادامه به این مطلب می‌پردازیم که چگونه گفتمان‌ها از چنین مفاهیمی برای شکل‌دادن به معنای توسعه استفاده می‌کنند. گفتمان عدالت، به دلیل اینکه گزاره‌های گوناگون و دال‌های گفتمان‌های سازندگی و اصلاحات را پیش رو دارد، در واکنش به آن‌هاست که معنا و مفهوم توسعه را شکل می‌دهد. احمدی‌نژاد به توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی که دال‌های مرکزی گفتمان اصلاحات و سازندگی هستند، حمله می‌کند و آن‌ها را توسعه وارداتی می‌داند. او مدعی است از آنجایی که مدل تئوریک دو گفتمان قبل را به زور به خورد مردم داده‌اند، به توسعه کشور منجر نشده است؛ بنابراین دو گفتمان دیگر مربوط به مردم و از بطن مردم نیست و با جمله «شما از ملت فاصله گرفته‌اید، شما ملت را خانواده و اطرافیان و هم‌حزبی‌هایتان می‌دانید» (متن شماره ۲) سعی در برجسته‌سازی عدم شمولیت توسعه گفتمان‌های غیر و شمولیت و عمومیت گفتمان عدالت دارد. متن شماره ۳ نیز حاکی از همین برجسته‌سازی و به حاشیه‌رانی است: «اجرای عدالت یعنی دادن

فرصت‌های کافی و یکسان به همه استعدادهای، نه فقط به قشر و طبقه‌ای خاص». ریشه‌ای عمل کردن دولت، گزاره دیگری است که گفتمان عدالت از تکنیک برجسته‌سازی و طرد استفاده می‌کند. «دولت مصمم است که ریشه‌های اصلی مشکلات اقتصادی کشور را به مردم معرفی کند و علی‌رغم بداندیشی برخی افراد، اقتصاد را معالجه کند» (متن شماره ۳ گفتمان عدالت). این گفتمان مدعی است دو گفتمان دیگر به مسائل توسعه ریشه‌ای نپرداخته‌اند؛ اما گفتمان عدالت مشکلات را ریشه‌ای بررسی می‌کند و به مردم اعلام می‌کند.

تقدم عدالت یا رشد اقتصادی در توسعه کشور، موضوع دیگری است که گفتمان عدالت با مفصل‌بندی و تشکیل یک نظام معنایی حول محور عدالت، به معنای فرصت کافی و یکسان به همه استعدادهای، تلاش می‌کند برداشت و معنای خود از توسعه را برجسته و سایر معنای توسعه را به حاشیه براند. «چطور شما می‌گویید عدالت موجب عقب‌ماندگی است؟ ما می‌گوییم برعکس آن است. اگر شما بدون عدالت جلو بروید، امکان شکوفایی استعدادهای وجود ندارد و امکان ندارد که بدون عدالت به قله برسید. این‌هایی که می‌گویند با عدالت می‌خواهند رشد اقتصادی را کند کنند، ما می‌گوییم اتفاقاً عدالت باعث افزایش رشد اقتصادی می‌شود» (متن شماره ۴ گفتمان عدالت). تقدم عدالت بر رشد و توسعه اقتصادی، گزاره کلیدی گفتمان عدالت است و از همین منظر، گفتمان سازندگی را که معتقد به تقدم رشد اقتصادی بر عدالت است، به حاشیه می‌راند و سعی در بدیهی‌سازی چنین معنایی دارد. علاوه بر این، گفتمان عدالت نتیجه این تقدم و تأخر را نه تنها مشخص که بدیهی فرض می‌کند. «کسانی که آن حرف‌ها را می‌زنند، بروند حاصل کار خودشان را ببینند. بلوکه کردن ثروت و توانمندی‌های کشور فقط با عدالت باز می‌شود. سیاست‌هایی که در آن عدالت نباشد، فقط تمرکز ثروت در جیب یک عده خاص است» (متن شماره ۴ گفتمان عدالت). تقدم عدالت، توسعه به معنای شکوفایی استعدادهای را به‌ارمغان می‌آورد و تقدم رشد اقتصادی، نابرابری و تمرکز ثروت در دست عده‌ای خاص را رقم می‌زند.

سرمایه‌گذاری و فراهم‌آوردن زیرساخت‌های رشد اقتصادی، دو دال اصلی گفتمان سازندگی است. گفتمان عدالت، این دو دال را در راستای توسعه کشور، ناقص و ناکارآمد معرفی می‌کند و به جای آن، عدالت به معنای شکوفایی همه استعدادهای را عین توسعه می‌داند. «پیشرفت کشور

زمانی است که همه استعداد‌های انسانی این کشور فضا برای رشد پیدا کنند، نه اینکه فکر کنیم که آن قدر جاده و پل و فرودگاه با پول بیت‌المال زده‌ایم» (متن شماره ۳ گفتمان عدالت).
گفتمان عدالت، عدم توجه به مردم و رانت‌خواری را در گفتمان‌های دیگر برجسته می‌سازد و آن را محصول نگاه نادرست به توسعه می‌داند. «مطمئن باشید کسانی که عادت کرده‌اند طی پانزده بیست سال با یک تلفن، با یک ارتباط و با یک تقاضای معمولی، نیازهای خود و دوستانشان را برطرف کنند و...» تأکیدی بر همین موضوع است.

ضدیت و غیریت خارجی نیز در گفتمان عدالت پُررنگ است که گفتمان فوق، در تثبیت معنای خود از توسعه، از آن غیر استفاده می‌کند. «اقتصاد باید اقتصادی پاک و دلسوز باشد و اگر غیر از آن باشد، اقتصاد ما نیز همچون دیگر کشورها خواهد بود. ما در این دنیا می‌بینیم که بدون عدالت به کجا رسیده‌اند» (متن شماره ۱ گفتمان عدالت). این گفتمان تعاریف و معانی توسعه در نظام بین‌الملل را نمی‌پذیرد و توسعه‌ای که در گفتمان‌های گذشته ایران نیز وجود داشته است، ناکارآمد می‌داند؛ چراکه منجر به بی‌عدالتی می‌شود و توسعه بدون عدالت معنا ندارد. بنابراین، این گفتمان با برجسته‌سازی آثار نامطلوب تفکرات توسعه‌ای گذشته در ایران و دنیا و توجه‌دادن افکار عمومی، به سمت فاصله اهداف توسعه و اسلام، توسعه را به معنای عدالت و تعالی در نظر می‌گیرد.

در گفتمان اصلاحات، غیرتی (گفتمان سازندگی) وجود دارد که توسعه را مترادف با رشد اقتصادی می‌داند و این گفتمان با تأکید بر مفهوم آزادی، در تقابل با توسعه به معنای رشد، معنای متفاوتی از توسعه را رقم می‌زند. مفهوم آزادی، هم ابزار و وسیله توسعه است و هم، مهم‌تر از آن، هدف توسعه است. «من اعتقاد بر این است که توسعه بدون توسعه سیاسی اولاً ابتر و ثانیاً ناموفق است... در توسعه سیاسی، آنچه مهم است، به رسمیت شناختن حق آزادی شهروندان است» (متن شماره ۲ گفتمان اصلاحات). «رشد اقتصادی باید در خدمت توسعه سیاسی جامعه قرار گیرد» (متن شماره ۳ گفتمان اصلاحات). بنابراین توسعه سیاسی (آزادی تفکر و بیان) در مرتبه و جایگاه بالاتری نسبت به توسعه اقتصادی قرار می‌گیرد. «کارکرد یک گفتمان در ترسیم و تجویز یک سلسله‌مراتب ستیزش‌گر میان مفاهیم نهفته است. یکی همواره در منزلتی برتر و دیگری بر شخصیتی فروتر است» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۹۷). در گفتمان توسعه، معنا بر منطق این یا

آن است. هم این و هم آن، محلی از اعراب ندارد. در گفتمان اصلاحات، توسعه یعنی آزادی و هر تعریف دیگری از توسعه باید در خدمت این هدف قرار گیرد.

گفتمان اصلاحات تردیدی ندارد که توسعه‌یافته‌ترین جامعه، جامعه‌ای است که کمترین محدودیت‌ها برای تفکر و ابراز اندیشه اعمال می‌کند. به باور این گفتمان، بازگشت به جامعه مدنی، نشان از توسعه‌یافتگی دارد. در کانون گفتمان اصلاحات، قانون وجود دارد و قانون یک مفهوم اصلی است که در حول و محور آن، مشکلات توسعه‌نیافتگی حل می‌شود. «من فکر می‌کنم که اگر ما بتوانیم جامعه را قانونمند کنیم، بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجود حل خواهد شد؛ اما اگر جامعه قانونمند نشود، ولو اینکه برنامه‌های خوبی هم وجود داشته باشد، اصلاً معلوم نیست که آن برنامه‌ها، در میان راه، دچار چه سرنوشتی بشوند» (متن شماره ۱ گفتمان اصلاحات). گفتمان غیر به قانون بی‌توجه بوده است و گفتمان اصلاحات مدعی است با برجسته‌شدن قانون، مشکلات کشور که گفتمان سازندگی با تأکید بر برنامه‌ریزی و رشد نتوانست آن را حل نماید، حل شدنی است.

استراتژی و اساسی یا ساخت‌شکنی که در تئوری لاکلا و موفه، جزء مؤلفه‌های اصلی به‌شمار می‌آید، ابزاری کارآمد در تحلیل است. استراتژی و اساسی یک گفتمان «تهی کردن نقاط کانونی و دقیق و عناصر آن گفتمان از معنا و محتوای مستقر آن است و تزیین آنان به محتوایی دگرگون است» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۲۱۹). گفتمان اصلاحات با اساسی و شالوده‌شکنی گفتمان سازندگی، به گفتمان مسلط تبدیل شد و دال آزادی، یک استراتژی دقیق و ظریفی بود که این گفتمان به‌خوبی از آن بهره برد. این نکته که باید ببینیم مردم چه می‌خواهند و چه می‌گویند و با خواسته‌های مردم همراه باشیم و توسعه از رهگذر مشارکت مردم به‌دست می‌آید، استراتژی گفتمان اصلاحات بود که به استحاله و اساسی گفتمان مسلط سازندگی منجر شد.

مفهوم دیگری که گفتمان اصلاحات سعی در برجسته‌سازی آن دارد، انسان است. انسان، از نظر این گفتمان، محور توسعه سیاسی و غایت آن است (متن شماره ۳ گفتمان اصلاحات) و این تأکید، اشاره ضمنی به عدم توجه به انسان در مقام هدف توسعه در گفتمان سازندگی دارد. «توجه ویژه خاتمی در توسعه سیاسی که از تقدم انسان بر طبیعت در اندیشه او سرچشمه می‌گیرد. در شرایطی که دولت هاشمی با اندیشه توسعه فنی، نظریات توسعه اقتصادی را واکاوی می‌کرد، دولت خاتمی، با دغدغه توسعه سیاسی، توجه خود را به انسان معطوف کرده بود»

(علیزاده و رضوی، ۱۳۸۰: ۷۲). بر این اساس، درمقابل توسعه به معنای رشد اقتصادی و برنامه‌ریزی، در گفتمان اصلاحات، توسعه به معنای آزادی انسان و ایجاد جامعه‌ای قانونمند توأم با آزادی فکر و اندیشه است.

گفتمان سازندگی نیز، به نوبه خود، نظام معنایی از توسعه را شکل می‌دهد که در تقابل با شرایط توسعه در زمان جنگ شکل می‌گیرد. این گفتمان با تأکید بر دال‌های رشد اقتصادی و برنامه‌ریزی که در اوایل انقلاب و شرایط ویژه، به علت وقوع جنگ تحمیلی، به حاشیه رانده شده بود، برجسته کرد و از این منظر، سعی در گسترش روحیه تولید و کار در جامعه داشت. «باید در عرصه تولید قدم‌های مهم و اساسی برداریم» (متن شماره ۲ گفتمان سازندگی).

منطق هم‌ارزی یا ایجاد زنجیره‌ای همگون از هویت‌های متمایز

در چارچوب نظری بیان شد که در منطق هم‌ارزی، تلاش می‌شود تمایزات موجود میان عناصر و نیروهای متفاوت به دست فراموشی سپرده شود و همه آن‌ها در نظام معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، حل شود. به عنوان مثال، در انقلاب اسلامی ایران، تفاوت‌های میان گروه‌های ملی‌گرا، مارکسیست، مذهبی و... در زنجیره هم‌ارزی که گفتمان انقلاب اسلامی ایجاد کرد، به طور موقت فراموش شد. گفتمان عدالت با ایجاد یک حس نوستالژیک نسبت به سال‌های اوایل انقلاب که در آن سال‌ها، اختلافات اقتصادی و طبقاتی در میان اقشار مختلف جامعه گسترش چندانی نداشت، یک زنجیره هم‌ارزی محکمی تشکیل داده است. «این احساس دل‌تنگی عمومی نسبت به تحقق آرمان‌های برابری طلبانه برای تمامی اقشار جامعه موجب شد تا در این دوره، بازگشتی عمده به آرمان‌های بنیادین انقلاب صورت گیرد» (خواجه‌سروی، ۱۳۸۶). از این رو، گفتمان عدالت با مفصل‌بندی بخش‌های عمده‌ای از نیروهای ناراضی، تمایز میان آن‌ها را کاهش داده و آنان را در برابر یک غیرمنسجم می‌نماید. تشکیل این زنجیره هم‌ارزی باعث پشتیبانی و حمایت نیروهای متفاوت از معنا و مفهوم توسعه مدنظر گفتمان مذکور می‌شود و این معنا در جامعه هژمونیک می‌شود. بدین ترتیب این گفتمان، توسعه به معنای عدالت درمقابل سایر معانی توسعه را نزد آنان حقیقت تام جلوه‌گر می‌سازد. بالطبع، افراد تشکیل‌دهنده زنجیره هم‌ارزی چنین مفهومی را ولو، به صورت موقت، بدیهی و غیرقابل شک و تردید می‌انگارند و منافع حاصل از توسعه را متوجه همه اقشار می‌دانند. زنجیره هم‌ارزی گفتمان عدالت، طیف وسیعی از طبقات

پایین روستائیان، شهرهای کوچک تا بخش عمده‌ای از جوانان متدین و ارزشی در شهرهای بزرگ و همچنین طبقات کم‌درآمد شهرهای بزرگ را شامل می‌شود. درمقابل این زنجیره، زنجیره دیگری قرار دارد شامل بخشی از طبقات مرفه که ثروت را از طریق قدرت بلوکه کرده‌اند و مانع عدالت می‌شوند و نخبگان وابسته به غرب که به دنبال تئوری‌های ناکارآمد توسعه غربی هستند. زنجیره هم‌ارزی گفتمان اصلاح‌طلب با توجه به دال مرکزی آزادی، شامل گروهی از روشن‌فکران و گروه‌هایی همچون جوانان، زنان، اقلیت‌های مذهبی و خصوصاً دانشجویان بود که به ایده آزادی تعلق خاطر داشتند. در گفتمان سازندگی، زنجیره هم‌ارزی خاصی مشاهده نشد. به‌طور کلی، از آنجایی که نیروهای متفاوت چه درکی از معنای توسعه داشته باشند و چقدر تحت تأثیر یک معنا قرار بگیرند و از آن حمایت کنند، مفهوم زنجیره هم‌ارزی یا ایجاد زنجیره‌ای همگون از هویت‌های متمایز در بحث‌های توسعه یک مفهوم اساسی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، نظریه گفتمان لاکلا و موفه می‌تواند تحولات متداول در معنا و مفهوم توسعه را به‌شکل کارآمد و قابل توجه در برهه‌های گوناگون تبیین و تحلیل نماید. از دیدگاهی عمل‌گرایانه، بررسی معنا و مفهوم توسعه از منظر تحلیل گفتمان، با توجه به تفصیلی که در این مقاله از آن شد، کمک به سوژه‌ها برای درک بهتر شرایط موجود اجتماعی و چگونگی شکل‌گرفتن و سامان‌مند شدن توسعه است. با تحلیل توسعه از منظر گفتمان مشخص می‌گردد که اغلب گفتمان‌های مسلط، مفصل‌بندی منسجم و کارآمدی از دال و مدلول توسعه ارائه نمی‌دهند و در بیشتر موارد، این معنا در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. این چارچوب توسعه‌ای می‌تواند سوژه‌ها را برای درک بهتر تحولات معانی توسعه یاری دهد؛ به‌نحوی که در سازوکارهای نظام معنایی آن بیندیشند. علاوه‌براین، چنین نگرشی به توسعه می‌تواند به‌مثابه ابزاری مؤثر در خودترمیمی گفتمان‌های مسلط مورد استفاده قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که دال‌های خالی توسعه‌ای خود را مورد توجه قرار دهند. ازسوی دیگر، می‌تواند گفتمان‌های رقیب را یاری دهد تا با شناخت دال‌های خالی گفتمان مسلط، در موضع توسعه، زمینه ساختارشکنی و به‌زیر کشیدن آن‌را فراهم سازند.

استیلا و تثبیت یک معنا از توسعه در هر گفتمان، تنازع و به‌حاشیه‌رانی سایر معانی توسعه را به‌دنبال دارد. به‌حاشیه‌رانی و طرد سایر گفتمان‌های توسعه، بیش از آنکه به درستی یا نادرستی یا منطقی‌بودن گزاره‌ها و مفاهیم یک گفتمان وابسته باشد، به موقعیتش با سایر گفتمان‌ها، به اینکه چگونه دال‌های خالی سایر گفتمان‌ها را مفصل‌بندی نماید و در نتیجه، نظام معنایی جدیدی از توسعه ارائه دهد، مرتبط است. گفتمان‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی هر یک سعی کردند یک فضای متفاوت از وضعیت موجود و یک معنای متمایز از سایر معانی ترویج‌شده توسط سایر رقیبان شکل دهند.

یادداشت‌ها

۱. سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۲۰/۲/۱۳۸۲.
۲. سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۲۸/۸/۱۳۸۷.
۳. سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۳۰/۷/۱۳۸۴.
۴. سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۱۳/۹/۱۳۸۴.
۵. سخنرانی محمود احمدی‌نژاد، ۱۹/۸/۱۳۸۴.
۶. سخنرانی سیدمحمد خاتمی در یزد، ۸/۸/۱۳۷۶.
۷. سخنرانی سیدمحمد خاتمی در دیدار با معاونین وزارت کشور، ۲۹/۳/۱۳۷۷.
۸. سخنرانی سیدمحمد خاتمی در شورای اداری استان یزد، ۸/۸/۱۳۷۶.
۹. سخنرانی سیدمحمد خاتمی، ۱۳/۱/۱۳۷۷.
۱۰. سخنرانی سیدمحمد خاتمی در مراسم روز کارگر، ۹/۲/۱۳۷۷.
۱۱. سخنرانی هاشمی رفسنجانی، ۲۶/۸/۱۳۸۷.
۱۲. سخنرانی هاشمی رفسنجانی، ۲۶/۸/۱۳۸۷.
۱۳. سخنرانی هاشمی رفسنجانی، ۲۶/۸/۱۳۸۷.

کتابنامه فارسی

۱. ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۱، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس.
۲. بهرامپور، شعبانعلی، ۱۳۷۹، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، در کتاب مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
۳. تاجیک، محمدرضا و محمد روزخوش، ۱۳۸۷، «بررسی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران از منظر تحلیل گفتمان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۶۱.
۴. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۹، جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران: نی.

۵. تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، *گفتمان، پادگفتمان و سیاست*، تهران: مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
 ۶. حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی، ۱۳۸۳، «تحلیل گفتمان و تحلیل سیاسی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، ش ۲۸.
 ۷. خواجه‌سروی، غلامرضا، ۱۳۸۶، «فراز و فرود گفتمان عدالت در جمهوری اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، س ۳، ش ۲.
 ۸. سلطانی، علی‌اصغر، ۱۳۸۶، «تحلیل گفتمانی فیلم‌های سیاسی-اجتماعی: نگاهی به پارتنی سامان مقدم»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۳، ش ۹.
 ۹. سلطانی، سیدعلی‌اصغر، ۱۳۸۴، *قدرت، گفتمان و زیان: ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نی.
 ۱۰. ضمیران، محمد، ۱۳۸۷، *میشل فوکو: دانش و قدرت*، تهران: هرمس.
 ۱۱. علیزاده، حسین و سبحان رضوی، ۱۳۸۰، *گلبانگ سربلندی: ۲۰۰۱ سخن و نکته از اندیشه‌های سیدمحمد خاتمی*، تهران: سلام.
 ۱۲. کسرابی، محمدسالار و علی پوزش‌شیرازی، ۱۳۸۸، «نظریه گفتمان لاکلا و موفه: ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، ش ۳.
 ۱۳. میلز، سارا، ۱۳۸۲، *گفتمان*، ترجمه فتاح محمدی، تهران: هزاره سوم.
 ۱۴. نش، کیت، ۱۳۸۰، *جامعه‌شناسی سیاسی*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
 ۱۵. هوارث، دیوید، ۱۳۷۹، «نظریه گفتمان»، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، در کتاب *مجموعه مقالات و تحلیل گفتمانی*، تهران: فرهنگ گفتمان. www.Isna.ir خبرگزاری ایسنا
 ۱۶. www.Mojnews.com خبرگزاری موج
 ۱۷. www.Mehnews.com خبرگزاری مهر
- کتابنامه لاتین**
18. Jorgensen, M. and Philips L., 2002, *Discourse Analysis as Theory and Method*, London: Sage Publications.
 19. Fairclough, norman, 2001, *Language & Power*, London: longman.
 20. Foucault, M., 1972, *The Archaeology of Knowledge*, London: Tavistock.
 21. Laclau, E. and C. Mouffe, 1985, *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Polititics*, London: Verso.
 22. Laclau, E., 1994, *The Making of Political Identities*, London: verso.